

یادداشت

-
-
-



درس‌های مشروطه برای حفظ انقلاب اسلامی

«چه شد که غربی‌ها، مشخصاً انگلیسی‌ها، در مسئله [مشروطه] کامیاب شدند؛ از چه شگردی استفاده کردند که کامیاب شدند. در حالی که مردم که جمعیت اصلی هستند، می‌توانستند در اختیار علما باقی بمانند و اجازه داده نشود که شیخ فضل… جلو چشم همین مردم به دار کشیده شود؛ قاعده قضیه این بود… که اینها توانستند یک عده‌ای از اعضای جبهه عدالت‌خواهی – یعنی همان اعضای دینی و عمدتا علما – را فریب دهند و حقیقت را برای اینها پوشیده نگه دارند و اختلاف ایجاد کنند. [دوم اینکه] حرف‌هایی را که از سوی روشنفکر ها و به‌وسیله عمال حکومت گفته می‌شدو وعده‌هایی را که داده می‌شد، حمل بر صحت می‌کردند. این طور می‌گفتند که: شما دارید عهله می‌کنید؛ سوء‌طن دارید؛ اینها قصد بدی ندارند… انسان می‌بندد که حساسیت آنها را در مقابل انحراف کم کرده‌اند؛ اما حساسیت بعضی‌ها مثل مردم آشیخ فضل… باقی ماند… در قضایای عراق هم اول علما به‌طور جدی وارد شدند، بعد تعبیر وتوجیه شروع‌شد: حالا شاید اینهار است بگویند! شاید هدف بدی نداشته باشند! انگلیس ها در آن جا بین مردم عراق شعارهایی را پخش کردند: «جثا محربین لا مستعمرین!»؛ ما نیامده‌ایم برای استعمار شما، ما آمده‌ایم شما را از دست عثمانی‌ها آزاد کنیم…وقتی آنها در آن‌جا از ۱۹۲۰ تا ۱۹۵۸ ظاهرایا ۵۷، سی‌وهشت سال عراق را آن‌چنان فشرده شد که وقتی انسان این سال‌های طولانی را نگاه می‌کندو می‌خواند، گریه‌اش می‌گیرد…۹۰/۲۰۰۹/۱۳۸۵)»در صدر مشروطه هم علمای بزرگی بودند که این‌ها ندیدند توطئه‌ای را که آن‌روز غریزگان و به اصطلاح روشنفکرانی تحت تأثیر غرب، طراحی می‌کردند؛ توجه نکردند که حرف‌هایی که این‌ها دارند در مجلس شورای ملی آن‌زمان می‌زنند، یا در مطبوعاتشان می‌نویسند، مبارزه با اسلام است… مماشات کردند. ۹۰/۱۲۰۰۶/۱۳۸۸) با توجه به غفلت و عدم حساسیت جریان‌های مذهبی و اختلافی که بین آن‌ها افتاده بود، استعمار خط خود را در بین افکار عمومی جلو می‌برد. «آن خط انگلیسی ماجرای مشروطه… [با شعار توسعه و پیشرفت] ۹۰/۲۰۲۸۵/۱۳۸۶) آذهان مردم را به سمت خود کشیده بود. «نتیجه این شد که کسی که می‌خواست به‌طور جدی به فکر مردم باشد، به‌طور عمومی نوری جلوی چشم آنها به دار زده شد و این‌ها حساسیتی پیدا نکردند؛ بعد خود آنهاپی هم که به این حساسیت اهمیت نداده بودند، بعد از شیخ فضل…ا مورد تعرض و تظاول و تهتک آنها قرار گرفتند؛ بعضی جانشان را بعضی آبرویشان را از دست دادند. این اشتباهی است که آنجا انجام گرفت. ۹۰/۱۲۰۰۶/۱۳۸۸) ما اگر می‌خواهیم از تجربه مشروطیت استفاده کنیم، نباید بگذاریم این اشتباه تکرار نشود. ۹۰/۲۰۰۰۹/۱۳۸۵) در آن‌روزها غربی‌ها و غریزده‌ها «شعارهای بزاقی را مطرح کردند و عده‌ای را غافل کردند. ۹۰/۲۰۰۰۹/۱۳۸۵) درست مانند این‌روزها که آمریکاکی‌ها «باتملقِ حرف می‌زنند؛ گاهی به‌انسان‌نامه می‌نویسند که شما بیابید – یا ما که آمریکا هستیم – مسائل جهانی را با مشارکت یکدیگر حل کنیم… انسان در اینجا ممکن است دچار وسوسه بشود که برویم با یک ابر قدرتی در حل مسائل بین‌المللی همکاری کنیم… اما باطن قضیهٔ این نیست؛ باطن قضیهٔ این است که او یک نقشه‌ای دارد؛ می‌گوید شما بیدار آن میدانی که من ترسیم کرده‌ام بازی کن… تا آن‌دهفی که برای آن نقشه کشیده شده است، تحقق پیدا کند… اگر جمهوری اسلامی اینجا خام‌بوشد، وارد بازی آنها بشود… معنایش این است که نقشه آنها را کامل کرده‌است. ۹۰/۰۳/۱۲۹۵) بایان که غرب‌گرایان با افتخار بگویند که اقتصاد ایران را باید در اقتصاد جهانی حل کرد. در حالی که این الگوی اقتصادی (عبارت است از نقشبادی و نظامی که سرمایه‌داران عمدتا صهیونیستی و بعضاً غیر صهیونیستی برای تصرف منابع مالی همه دنیا طراحی کرده‌اند… این که یک کشوری اقتصادش را ادغام کند در اقتصاد جهانی، افتخار نیست؛ این خسارت است [این کار] یعنی بلعیدن اقتصاد ایران را به‌وسیله هاضمه اقتصاد بین‌المللی و جهانی که سرمدار آن هم آمریکاست. ۹۰/۰۳/۱۳۹۵) بنابر این باید هوشیار بود؛ چرا که اگر در نقشه استعمار بیفتیم، سبلی ذلت را خواهیم چشید. منبع: نشریه خط – شماره ۱۰۰/۱۳۹۱/۲۰۰۹

بر خود وظیفه دانستم با توجه به کشف کلیه اموال اینجانب در مدت ۳ روز

ریاست محترم پاسگاه کاظم آباد جناب سرهنگ بزی و سروان صامی و قاضی محترم پرونده حاج آقای شادزاده ریاست محترم شعبه ۶۰۴ دادگاه مدف

مراتب تقدیر و تشکر خود را اعلام نموده و برای شمایان آرزوی عمری با برکت و با عزت که در جهت ایجاد امنیت لحظه‌ای درنگ نمی‌کنید را می‌نمایم.

و من ... التوفیق -عباس ظریف

۹۰/۱۵/۱۳۹۱

جناب آقای جعفر احسانی‌مر

انتخاب شایسته جنابعالی را بعنوان **معاون درآمدهای مالیاتی شهرستانها از طرف مدیر کل امور مالیاتی خراسان رضوی**

تبریک عرض نموده، توفیقات روز افزون شما را از درگاه احدیت خواستاریم.

پور خلیلی

شرکت صنایع غذایی نازنین (پالوما)

۹۰/۱۵/۱۳۹۱

تاریخ

غلامرضا خان آصف‌الدوله

والی مستبد خراسان



در آستانه یکصد و دهمین سالروز امضای فرمان مشروطیت

نقش «خراسانیان» در پیروزی مشروطه

جوادنویان رودسری

خراسانیان در پیروزی انقلاب مشروطه نقشی ویژه داشته‌اند. بر خلاف تصور برخی از مورخان، مبنی بر عدم پذیرش اولیه مشروطه در این سامان، مردم خراسان از مدت‌ها قبل از پیروزی نهضت مشروطیت، اعتراضات گسترده خود را علیه حکومت استبدادی قاجار، آغاز کرده بودند. دلیل عمده این تصور و باور اشتباه، درک نادرست از ماهیت قیام مردم ایران در صدر مشروطه و نیز، قیاس این امر با دیدگاه‌های غربی‌گرا نه برخی منوالاتکرها نسبت به جریان مشروطیت است. واقعیت آن است که مردم ایران، در قیام خود برای برانداختن استبداد، هدفی جز برقراری عدالت و مساوات را دنبال نمی‌کردند و آنچه به عنوان نظام مشروطه و ایجاد دستگاه‌های مرتبط با آن مطرح شد، عموماً و باور د سفر از فرنگ برگشته‌هایی بود که رویکردی، باعث نا دیده گرفته شدن خیزش مردم خطه خراسان علیه استبداد شده و به همین دلیل است که «مهدی‌ملک‌زاده»، خوشاوند «ملک‌الشعراى بهار»، در جلد دوم کتاب «تاریخ انقلاب مشروطیت ایران» ادعا می‌کند: «هیچ وقت خراسان در راه مشروطیت قدم مؤثر بر نداشت و مشروطه خواهان حقیقی آن سامان، نفوذی نداشتند.»

دو دهه ایستادگی مردم خراسان

خراسان، دست‌کم از دو دهه پیش از پیروزی انقلاب مشروطه، محل وقوع قیام‌های متعدد علیه حکومت استبدادی و ستم جانکاه و الیان منصوب قاجار ها بود. قیام پنج‌ماهه مردم مشهد علیه «آصف‌الدوله‌شاهسون» یکی از این قیام‌هاست. رفتار او که فردی فزون‌خواه، فرصت‌طلبی و توجه به خواست مردم‌شعائر اسلامی بود، خشم مردم مشهد را برانگیخت و زمینه‌ساز قیام پنج‌ماهه سال ۱۲۶۳ هـ.ش در این شهر شد. این قیام که از معدود قیام‌های مردمی دوران سلطنت ناصرالدین‌شاه محسوب می‌شود، با عزل «آصف‌الدوله» به پایان رسید، اما نتیجه‌ای برای مردم نداشت و ظلم حاکمان مستبد بعدی، زمینه‌ساز خیزش‌های مردمی دیگری شد. مشهدی‌ها در جریان جنبش تنباکو نیز، قیام پنج‌روزه‌ای را علیه والی خراسان و نمایندگان کمپانی رژی، سازماندهی کردند و مانع از اجرای قرار داد در شهرشان شدند. ستم‌حاکم خود کامه‌ای همچون «مؤیدالدوله»، «رکن‌الدوله»، «نیرالدوله» و «حسام‌الدوله»، طی دوران ۲۰ ساله پیش از پیروزی مشروطه، باعث بروز قیام‌های متعددی در مشهد شد. در این میان، قیام مردم مشهد در سال ۱۲۸۴ هـ.ش و به‌گلوله‌بسته‌شدن مردم مطهر امام‌رضاع) نقشى مهم در برانگیختن مردم سایر مناطق ایران برای مبارزه با استبداد و برانداختن آن داشت. رویدادهایی مانند فروش دخان‌روسان و سیاحت معصوم‌شمال خراسان به اقوام مهاجم ماوراءالنهر، در عوض مالیات معوقه و الدینشان، طی سال‌های ۱۲۸۳ و ۱۲۸۴ هـ.ش، مردم اخشمگین و شرایط عمومی خراسان را در آستانه انقلاب مشروطیت، به شدت ملتهب کرد.

علمای مشروطه‌خواه خراسان

همزمان با اوج‌گیری جنبش مشروطه، احزاب و گروه‌های قیام سیاسی حاضر در مشهد نیز، فعال شدند. روزنامه‌های متعددی در این شهر منتشر شد که در انتقال تفکرات مشروطه‌خواهی به مردم، سهم مهمی داشت. اما هیچ‌یک از این فعالیت‌ها نمی‌توانست زمینه اعتماد مردم به مشروطه‌خواهی را به اندازه لازم، فراهم کند. صبغه مذهبی خراسان و به‌ویژه شهر مشهد، پذیرش هر امری از سوی مردم را موقوف به نظر موافق علما و مراجع دینی می‌کرد. در این میان، تعدادی از علمای برجسته خراسان، مانند «آیت... میرزا حبیب خراسانی» و «آیت... شیخ ذبیح... قوچانی»، نقش مهمی در استحکام پایه‌های مشروطه در خراسان داشتند. در نخستین انتخابات مجلس شورای ملی، «حاج میرزا علی آقا مجتهد تبریزی» از طرف علما، «سیدعبدالحسین

شهشپانی» از طرف کسبه، «حاج میرزا علی نقی ناظم آستانه» از طرف مالکان و «آقارضا رئیس التجار» یافتند. «دکتر یوسف متولی حقیقی» در کتاب «تاریخ معاصر مشهد، می‌نویسد: «در جریان نخستین انتخابات مجلس شورای ملی در مشهد، ۱۳۰۰ تن از افراد شاخص در مدت ۱۰ روز فراخوانده شدند تا به برگزیدگان خود رأی دهند. آنها به ۲۰۰ نفر رأی دادند و این عده نیز به صورت صنفی، مخفی و کتبی، اشتباه، درک نادرست از ماهیت قیام مردم ایران در صدر مشروطه و نیز، قیاس این امر با دیدگاه‌های غربی‌گرا نه برخی منوالاتکرها نسبت به جریان مشروطیت است. واقعیت آن است که مردم ایران، در قیام خود برای برانداختن استبداد، هدفی جز برقراری عدالت و مساوات را دنبال نمی‌کردند و آنچه به عنوان نظام مشروطه و ایجاد دستگاه‌های مرتبط با آن مطرح شد، عموماً و باور د سفر از فرنگ برگشته‌هایی بود که رویکردی، باعث نا دیده گرفته شدن خیزش مردم خطه خراسان علیه استبداد شده و به همین دلیل است که «مهدی‌ملک‌زاده»، خوشاوند «ملک‌الشعراى بهار»، در جلد دوم کتاب «تاریخ انقلاب مشروطیت ایران» ادعا می‌کند: «هیچ وقت خراسان در راه مشروطیت قدم مؤثر بر نداشت و مشروطه خواهان حقیقی آن سامان، نفوذی نداشتند.»

مجتهدی که مشروطه را در خراسان نهادینه کرد

بر اساس مدارک و مستنداتی که ورته مردم «آیت... شیخ ذبیح... قوچانی» در اختیار روزنامه خراسان قرار داده‌اند، آن مردم حوم، روز یکشنبه، ۴ بهمن‌ماه سال ۱۲۳۶ هـ.ش (۸ جمادی‌الثانی ۱۲۸۴ ه‍.ق) در شهر «خوشوان» که امروزه به «شهر کهنه» معروف است، متولد شد. «آیت... شیخ ذبیح... قوچانی»، پس از فراگیری مقدمات علوم دینی، به مشهد رفت و در مدرسه علمیه «میرزا جعفر»، از درس علمایی همچون «حاج میرزا نصر... مجتهد خراسانی» بهره‌برد؛ سپس راهی نجف شد و طی ۲۴ سال اقامت در این شهر مقدس، از محضر مراجع و علمای بنام‌های مشهور «میرزای شیرازی»، «میرزا حبیب... رشتی»، «فاضل شربیانی» و «فاضل ایروانی» استفاده کرد. «آیت... شیخ ذبیح... قوچانی» از شاگردان میرزاوموردا اعتماد «آخوند خراسانی» بود و مدت ۸ سال از درس‌آن مجتهد بزرگ بهره‌مند شد. آن مردم حوم، پس از اخذ درجه اجتهاد، به ایران بازگشت و با دعوت حاکم قوچان، راهی این شهر شد و مدتی به تدریس و پاسخگویی به مسائل شرعی مردم مشغول بود. با این حال، مدتی بعد به مشهد رفت. دلیل این هجرت، خوی مستبدانه حکام قوچان بود. «آیت... شیخ ذبیح... قوچانی»، با آغاز جنبش مشروطه و حمایت آخوند خراسانی از آن، تلاش فراوانی در راستای آشنایی هرچه بیشتر مردم با مشروطه و مزایای آن انجام داد و در نخستین دوره انجمن ایالتی خراسان، به ریاست آن برگزیده شد. فعالیت‌های سیاسی «آیت... شیخ ذبیح... قوچانی» به مشهد محدود نبود. آن مردم حوم به‌بیشتر شهرهای خراسان سفر و با طر‌فداران مشروطه دیدار می‌کرد. تصویر یکی از این دیدارها، برای نخستین بار، از سوی ورته «آیت... شیخ ذبیح... قوچانی» در اختیار روزنامه خراسان قرار گرفته که ظاهراً به‌طوبه دیدار وی با مشروطه‌خواهان تربت حیدریه است. آن مردم حوم، به‌همراه سایر اعضای انجمن ایالتی، نخستین آیین‌نامه داخلی انجمن ایالتی خراسان را تدوین کرد که اصل این سند نیز در اختیار روزنامه خراسان قرار گرفته‌است. منزل «آیت... شیخ ذبیح... قوچانی» واقع در آستانه عیدگاه مشهد، در جریان استبداد صغیر، هدف گلوله‌توپ مستبدین قرار گرفت، اما آن مردم حوم و خانواده‌اش به مشهد مهاجرت کردند. مشهد را به مقصد تهران ترک کرده بودند. مردم حوم «آیت... شیخ ذبیح... قوچانی»، سرانجام در روز چهارشنبه، ۲۳ اسفندماه سال ۱۲۹۵ هـ.ش (۲۰ جمادی‌الثانی ۱۳۳۵ ه‍.ق) در فانی را وداع گفت و در رواق «دارالسیاده» حرم مطهر امام‌رضاع) به خاک سپرده شد.

اصل تصویر و اسناد توسط ورته مردم شیخ ذبیح... مجتهد قوچانی در اختیار روزنامه خراسان قرار گرفته است.

●●●



اعلامیه دعوت از واجدین شرایط کاندیداتوری مجلس شورای ملی در مشهد: ۱۲۸۵ هـ.ش

صفحه نخست نظامنامه داخلی انجمن ایالتی خراسان: ۱۲۸۶ هـ.ش



صفحه آخر نظامنامه داخلی و مهر اعضای انجمن ایالتی خراسان: ۱۲۸۶ هـ.ش

خراسان روزنامه مسج ایران چهارشنبه ۱۳ مرداد ۱۳۹۵ ۴۹ شوال ۱۴۳۷. شماره ۱۹۳۱۸

آصف‌الدوله از جال دوره قاجاری بود. او دوبار والی خراسان شد. اقدامات مستبدانه آصف‌الدوله در دوران والیگری خراسان، نارزایشی و قیام مردم مشهد را در پی داشت. او در آخرین روزهای حکومت خود در خراسان، دستور داد مردمی را که از کمبود نان شکایت داشتند به گلوله بپسندد و وقتی معتز شان در حرم مطهر رضوی پناه گرفتند، صحن و سرای حرم مطهر امام‌رضاع) را هم به گلوله بست.

پاورقی

-
-
-

گروه‌های چپ در ایران (بخش سی و پنجم)

اشغال گنبد توسط شورشیان

در قسمت قبلی اشاره کردیم که چریک‌ها، «نقی حمیدیان» را برای بررسی شرایط و نیز، تلاش برای کنترل اوضاع گنبد، به این شهر اعزام کردند. سازمان مدعی بود که این اقدام، در راستای کاستن از تنش‌ها و جلوگیری از درگیری‌ها در گنبد انجام‌شده‌است؛ اما «حمیدیان» بلافاصله پس از ورود به شهر، با اعضا و هواداران سازمان دیدار کرد و به آنها وعده ارسال مقادیر معتنابهی سلاح و مهمات داد. این اقدام «حمیدیان»، شورشیان را در ادامه مسیریی که انتخاب کرده بودند، مصمم‌تر کرد. «محمود نادری» در کتاب «چریک‌های فدایی خلق» می‌نویسد: «معلوم نیست که حمیدیان از سوی سازمان مأموریت داشت تا مانع از تشدید درگیری‌ها شود یا آن‌که آنان را به رسیدن اسلحه دلگرم کند؟ اگر در گنبد و تر کم‌ن صحرأ، پیش و پس از بروز جنگ، هواداران سازمان به تحریک عباس عباس و محمود حسن‌پور به پاسگاه‌های ائتدار مری حمله کردند و اسلحه‌ها را به یغما بردند و بر آندوخته تسلیحاتی سازمان افزودند، قطعاً این اتفاق در ساری، مرکز استان، رخ نداد. بنابر این حمیدیان چگونه می‌توانست در مدت یکی دو روز، مقدار قابل توجهی سلاح تهیه کندو در اختیار عباس هاشمی قرار دهد؟ آیا جز این است که سازمان، پیشاپیش خود را برای جنگ احتمالی آماده کرده‌بود؟»

جنگ شدت می‌گیرد

در راستای اقدامات جنگ‌طلبانه چریک‌ها در گنبد، روز ۷ فروردین‌ماه سال ۱۳۵۸، ورودی‌ها و نقاط حساس شهر توسط آنها و هوادارانشان اشغال شد. بیشتر نیروهای مسلح فعال، از اعضای کانون فرهنگي – سیاسی خلق تر کم‌ن ستاد مرکزی شوراهای تر کم‌ن صحرأ بودند. آنها پس از مدتی زد‌وخورد، نیروهای کمینته را عقب راندند و توانستند ساختمان‌هایی را که قبل از آن مستقر شده بودند، دوباره اشغال کنند. دولت موقت که شرایط را در گنبد تر کم‌ن صحرأ بحرانی می‌دید، هیئتی را به این منطقه اعزام کرد، اما چریک‌ها و هوادارانشان، اعضای هیئت مذکور را برای ساعاتی بازداشت و در نهایت، تنها با آتش‌سی ۷۲ ساعته برای مذاکرات بیشتر، موافقت کردند. بااین حال، غرور بیش از حد چریک‌ها و توهم تسلط بر تر کم‌ن صحرأ، باعث شد در کمتر از چند ساعت، آتش‌بس را نقض و درگیری آغاز کنند. در پی این اقدام، چریک‌ها شرایط هشت‌گانه‌ای را برای پذیرش آتش‌بس موقت به دولت ارائه کردند. از جمله شرط‌های آنها، در اختیار داشتن اسلحه‌های در دیده‌شده و بقای حاکمیت شوراهایی بود که در گنبد تر کم‌ن صحرأ تأسیس کرده بودند. دولت شرایط چریک‌ها را نپذیرفت؛ چرا که پذیرش این شرایط، به معنای تن دادن به نفی حاکمیت مرکز تر کم‌ن منطقه تر کم‌ن صحرأ بود. روز دهم فروردین‌ماه، بخش‌های دیگری از شهر توسط چریک‌ها و هوادارانشان اشغال شد. کادر رهبری که تا این هنگام اقدام قاطعی انجام نده‌ام‌بود، اعلام کرد که هیئتی مرکب از «فرح... کاظمی»، «مستوره احمدزاده» و «اشرف دهقانی» ا برای بررسی علل بروز غائله گنبد، به این منطقه اعزام می‌کند. اما این اقدام نیز، پایان خوشی در پی نداشت.

